



مرکز مجرب از امام صادق علیه السلام

اصول الفقه (تعادل و تراجیح)

اخبار علاجیه ۱

جلسه ۴۲۱

استاد شفیعی

گفته شد، قاعده اولیه در تعادل متعارضین، تساقط است قاعده ثانویه: (ناظر بر مقام عمل است) سه نظریه مطرح است:

۱. تخییر، ۲. توقف، ۳. احتیاط،

مشهور از علماء قائل به تخییر شده‌اند، مصنف می‌فرماید: برای آن که قول حق را بیابیم، باید روایات علاجیه را بررسی کنیم، و ببینیم که مؤید کدام نظریه هستند، تا به آن قائل شویم.

دلیل بر تخییر

روایت اول:

قائلین به تخییر، تمسک به روایتی کردند که راوی از امام رضا علیه السلام، سوال می‌کند، راویان عدلی، روایت متعارضی نقل می‌کنند، وظیفه ما چیست؟ قال: «فإذا لم تعلم، فموسّع عليك بأيهما أخذت». وقتی نمی‌توانی تشخیص بدهی، به هر کدام که خواستی عمل کن. و این یعنی تخییر.

اشکال:

صدر روایت دال بر عرض خبر بر کتاب و سنت است و این، بدان معنی است که ابتداء باید به دنبال مرجحی بود و در صورت فقدان، شخص مخیر است (به نظر می‌رسد این مطلب اشکالی بر مدعا نیست، زیرا بحث هم جایی است که تعادل حاصل شده است، پس حتی اگر دستور به پیگیری مرجح داده باشد، مشکلی ندارد، مهم این است که اگر مرجحی نبود، وظیفه چیست که روایت دال بر تخییر است. پس

اشکال مصنف وارد نیست)



مرکز مجرب از امام صادق (عليه السلام)

روایت دوم:

امام علیه السلام، در پاسخ به سوال راوی می‌فرماید: «إذا سمعت من أصحابك الحديث ، وكلهم ثقة فموسع عليك حتى ترى القائم فترد عليه» زمانی که از ثقات اصحاب حدیث، روایتی شنیدی، در عمل به هر کدام، مخیری، تا معصوم علیه السلام را ببینی. مراد از «فموسع» یعنی اختیار.

اشکال:

این روایت اگر چه مطلق است و دال بر تخییر، اما روایاتی نیز وجود دارد که دال بر تخییر است، منتهی در صورت فقدان مرجحات. پس این روایت مطلق، بواسطه آن روایات خاص، تخصیص می‌خورد.

اشکالات دلالی بر روایت دوم:

در ظهور بدوی این روایت در تخییر، نیز اشکالاتی وجود دارد.

۱. این روایت صورتی را شامل می‌شود که شخص، می‌تواند به ملاقات امام برسد، لذا معلوم نیست

که شامل دوران غیبت نیز بشود، به خاطر اینکه رخصت در تخییر، یک مدت کوتاه، مستلزم رخصت دائمی نیست.

۲. این خبر، ظهور در فرض تعارض ندارد، شاید این خبر، وارد در اصل حجیت خبر ثقه باشد. و

تعبیر «موسع عليك» دائما دال بر تخییر نیست. مضافا این خبر دلالت می‌کند بر اینکه رخصت در اخذ به ثقه مغیا است به رویت امام.

خلاصه: این روایت صلاحیت دلالت بر تخییر را ندارد.